



عاملان ناراضی ملت از دولت برای روحانی چه خوابی دیده‌اند؟

پس از مصاحبه تلویزیونی اخیر رئیس‌جمهور طیف روزنامه‌های زنجیره‌ای در ژست منتقد ظاهر شدند اما گفته و نوشته‌های این عده گویای آن است که آنها جنجال‌آفرینی را بر فضای آرام برای خدمت به مردم ترجیح می‌دهند و تلاش می‌کنند تا روحانی را به مسیر مورد نظرشان هدایت کنند. این در حالی است که منتقدان دولت، این برنامه را از دریچه کم‌توجهی به اولویت‌های اصلی مردم یعنی اشتغال و مشکلات معیشتی مورد نقد و بررسی قرار دادند.

پس از مصاحبه تلویزیونی اخیر رئیس‌جمهور طیف روزنامه‌های زنجیره‌ای در ژست منتقد ظاهر شدند اما گفته و نوشته‌های این عده گویای آن است که آنها جنجال‌آفرینی را بر فضای آرام برای خدمت به مردم ترجیح می‌دهند و تلاش می‌کنند تا روحانی را به مسیر مورد نظرشان هدایت کنند. این در حالی است که منتقدان دولت، این برنامه را از دریچه کم‌توجهی به اولویت‌های اصلی مردم یعنی اشتغال و مشکلات معیشتی مورد نقد و بررسی قرار دادند.

در گزارش روز گذشته به مصاحبه رئیس‌جمهور از منظر بررسی و نقد سؤالات مطرح شده در آن و اولویت‌بندی مسائل و همچنین چگونگی طرح دغدغه‌ها پرداخته شد. نکته مورد توجه در مصاحبه اخیر، این بود که پس از آن روزنامه‌های زنجیره‌ای در ژست منتقد به خود گرفتند، یعنی همان‌هایی که از ابتدای روی کار آمدن دولت تدبیر و امید در سال 1392 با وانمودسازی از حقایق جامعه و نیازهای اصلی آن سهم عمده‌ای در ناکارآمدی‌های بخش‌های مختلف دولت داشتند. حال پرسش این است که سمت و سوی ژست این روزهای زنجیره‌ای و مقصدی را نشانه گرفته است؟ و اینکه جنس انتقادهای روزنامه‌های زنجیره‌ای با منتقدان حقیقی دولت آیا یکی است و اگر نیست، تفاوت‌ها کجاست؟ اگرچه در بخش پایانی گزارش دیروز به اجمال به این رویکرد تازه روزنامه‌های زنجیره‌ای اشاره‌ای شد اما گذشت یک روز دیگر و مهلتی که این گذشت زمان در اختیار تحریریه این روزنامه‌ها گذاشت برای پرداختن مفصل‌تر، نشان داد که تحلیل کیهان درست بوده است.

دغدغه‌های مردم و منتقدان

همان‌طور که در گزارش‌های اخیر نیز اشاره کردیم مسائلی نظیر بیکاری، تورم، رکود، نگاه و اعتماد به بیگانگان به جای اتکا بر فرزندان میهن و... دغدغه‌های عمده این روزهای مردم و منتقدان دلسوز هستند. راه درمان این معضلات نیز مشخص است: اقتصاد مقاومتی. حتی سفیر اتریش نیز به اهمیت اقتصاد مقاومتی پی برده که در مصاحبه چندی پیش خود با روزنامه شرق به آن اشاره می‌کند و راهکارهای اقتصادی رهبر انقلاب را راه برون رفت از مشکلات می‌داند.

عاملان ناراضی ملت از دولت

اما رویه مدعیان اصلاحات و رسانه‌های آنها چگونه بوده است؟ برای اینکه به چرایی بخش نخست تیر گزارش امروز پی ببریم کافی است برای نمونه رویه این روزنامه‌ها را در موضوع مسکن در نظر بیاوریم. پس از آنکه دولت تدبیر و امید در سال 92 سکان مدیریت اجرایی کشور را در دست گرفت و وزارت مسکن به عباس آخوندی رسید پروژه حمله به مسکن مهر به شکلی هدفمند دنبال شد. آن زمان نیز کارشناسان معتقد بودند که انجام پروژه‌های بزرگی و گسترده‌ی مسکن مهر برای وزارتخانه آخوندی غیرممکن می‌نماید لذا آنها چاره‌ای جز حمله به این طرح ندارند.

در همان ایام ابتدای دولت دوازدهم وزیر راه و شهرسازی جایگزین مسکن مهر را معرفی کرد: مسکن اجتماعی. هم زمان رویه روزنامه کیهان این بود که دلسوزانه به دولتمردان توصیه می‌کرد تا این طرح را به بایگانی نسپارند، چرا که این طرح چیزی منسوب به یک فرد نبود بلکه نتیجه زحمات نیروهای انقلابی و در راس آنها مهندس علی نیکزاد بود که پای کار حاضر شدند و در این راه زحمات بسیار کشیدند. کیهان بارها نوشت که به یقین طرحی به بزرگی و گستردگی مسکن مهر خالی از عیب و ایراد نیست و بهترین کار این است که دولت محترم تدبیر و امید با اصلاح معایب آن خدمت‌رسانی بزرگ را پیگیری کند.

وانمودسازی از مشکلات

در آن سو روزنامه‌های مدعی اصلاحات پس از هر حمله دولتمردان به مسکن مهر برای آنها هورا می‌کشیدند و آنها را به این مسیر تخریبی ترغیب می‌کردند. پس از چهار سال کار به آنجا رسید که برای یک بار روزنامه اعتماد در صفحه اقتصادی گزارشی را در مورد طرح «مسکن اجتماعی» منتشر کرد و آن را تنها چند برگ کاغذ نامید که هیچ نتیجه‌ای برای مردم نداشته است!

به همین ترتیب مواضع این روزنامه‌ها در موضوعات دیگر نیز در جریان بود. فرصت این گزارش اجازه پرداختن با شرح و تفصیل همراه با مصادیق را نمی‌دهد اما این مسائل چیزهایی چندان پنهان و پوشیده نیستند و تنها یادآوری آنها

ذهن مخاطبان را به آن نقطه رهنمون خواهد ساخت. برای نمونه در موضوع لغو چند کنسرت چنان جنجالی از سوی روزنامه‌ها و زنجیره‌های رسانه‌ای به پا شد که تا مدت‌ها این موضوع به سخن روز تبدیل شد و حتی به طور ویژه به سخنان دولتمردان نیز راه یافت. این در حالی بود که کنسرت‌ها لغو شده حتی یک درصد هم نبود. عرصه این نوشتار مجال بررسی علل لغو آن چند کنسرت و بررسی درستی یا نادرستی آن نیست بلکه این گزارش در پی آن است تا این سؤال را مطرح کند که لغو کمتر از یک درصد کنسرت‌ها آیا مشکل و معضل جامعه است آن هم با این میزان اهمیت که روزهای متمادی به صورت خاص به آن پرداخته شود تا دولت را درگیر آن نماید؟ روزنامه‌ها و زنجیره‌های رسانه‌ای در وانمودسازی از موضوع لغو چند کنسرت و معضل‌سازی از آن نقش اصلی و عمده داشتند. آنها در پیوند زدن تمام مشکلات کشور به موضوع هسته‌ها و سهم عمده‌ها و ایستادگی و به تبع آن برجام را حلال تمام مشکلات معرفی می‌کردند؛ اگرچه امروز که 2 سال از برجام گذشته رویه‌ها و دیگر اتخاذ کرده و می‌نویسند که قرار نبود برجام مشکلات اقتصادی را حل کند. مدیرمسئول شرق در مصاحبه با دهباشی به صراحت اقرار کرد که وظیفه روزنامه‌ها و زنجیره‌های رسانه‌ای بزرگ کردن برجام بود، چرا که جامعه ایران نسبت به آمریکا و تعهداتش خوش‌بین نبود.

این روزنامه‌ها و همچنین در بزرگنمایی از تهدیدهای آمریکا و همچنین واقعی توصیف کردن تهدید جنگ نقش عمده و ویژه‌ها داشتند. آنها ضمن تاخت و تاز به روزنامه‌ها و منتقد در ارائه تصویر غلط از مشکلات مردم به مسئولان سهم عمده‌ها داشتند. سابقه مشابه زنجیره‌ها و ایستادگی‌ها در دوره اصلاحات

این رویه روزنامه‌ها و زنجیره‌ها در دوره اصلاحات نیز به همان طریق بود. وقتی دولت خاتمی مقوله «توسعه سیاسی» را مطرح کرد آنها چنان دولت را در همان محدوده انتزاعی مشغول کردند که سال‌ها یکی پس از دیگری از دست رفت.

از طرف دیگر همین عده به رئیس‌دولت اصلاحات القا کردند که منتقدان دولتش هر 9 روز برای او بحرانی ساخته‌اند و همین دلیل خوبی برای نرسیدن به برخی اهداف می‌نمود! یعنی همین کاری که اکنون نیز صورت می‌گیرد که منتقدان را در حال بحران و آفرینی برای دولت نشان می‌دهند! آیا صرف نقد دولت بحران‌آفرین است؟ آیا بحران‌نقدها منتقدانی است که دولتی در تراز انقلاب اسلامی را آرزو دارند یا بدعهدی کشوری که پس از گذشت دو سال همچنان با بدعهدی خویش مانع مراودات بانکی می‌شود؟ آیا بحران وزارتخانه‌ها و فشل نیست که پس از گذشت قریب به پنج سال نه تنها هنوز حتی یک خانه نساخته و بلکه باقیمانده طرح‌ها و دولت دهم را که یک یا نهایت دو سال زمان لازم داشت تا اکنون به پایان نرسانده و طرحش نیز در میان زونکن‌ها و خاک می‌خورد؟ آیا فساد و مدیران نجومی با بازدهی ناچیز بحران هستند یا روزنامه‌هایی که خواهان برکناری این مدیران هستند و جایگزینی جوانانی با تعهد و تخصص به جای آنها؟ بحران واقعی کجاست؟

به همین سیاق رفتار روزنامه‌ها و زنجیره‌ها در دوره اصلاحات به مسائلی مانند تحصن در مجلس ششم رسید و کسی از میان این جماعت آن را بحران برای دولت اصلاحات عنوان نکرد. این مسیر وانمودسازی از نیازهای جامعه ادامه داشت تا آنکه در سال‌های پایانی دولت اصلاحات برخی از میان همین جریان نوشتند که سرگرم شدن به موضوع «توسعه سیاسی» چنان دولت را شیفته و مجذوب خود کرد که از توجه به مسائل اقتصادی و معیشتی بازماند و همین را پاشنه آشیل دولت نامیدند.

در این شیفتگی غافل‌کننده از نیازهای جامعه در آن روزگار روزنامه‌ها و زنجیره‌ها نقش ویژه داشتند. اما نکته مهم و قابل تامل و مهم‌تر از همه عبرت‌آموز این است که همین روزنامه‌ها پروژه عبور از خاتمی را کلید زدند و آن را در سال‌های پایانی دولت اصلاحات پی گرفتند. آیا رخدادهایی از این دست برای دولت‌ها و بحران‌ساز یا نقد چند رسانه منتقد؟ چه خوابی برای روحانی دیده‌اند؟

ظاهر شدن مدعیان اصلاحات در رُست منتقد مصاحبه تلویزیونی اخیر رئیس‌جمهور محترم نخست این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که انتقاد آنها به چیست؟ و سپس این سؤال مطرح می‌شود که آنها از رئیس‌جمهور چه چیزی طلب می‌کنند؟ یا بهتر است بگوییم قصد دارند روحانی را در کدام مسیر به حرکت وادارند؟!

شاید بتوان گفت که در میان طیف روزنامه‌ها و زنجیره‌ها که همواره تلاش دارند تا با رعایت اصول کار رسانه اهداف خود را در لایه‌ها و متن پنهان کنند دیروز آفتاب یزد بی‌پرده و صریح تمام آنچه این جماعت می‌خواهند را عنوان کرده بود. تیتراژ گزارش آفتاب یزد تا اندازه‌ها و سمت و سوی این روزنامه عصبی را مشخص کرده بود: «جسارتا به عقب برگردید»!

از همان سطرهای ابتدایی گزارش آفتاب یزد تا انتهای آن بارها و بارها این موضوع تکرار شده بود که رئیس‌جمهور تحت فشار است و باید به مردم بگوید که دلیل محقق نشدن وعده‌ها و ایستادگی‌ها چیست؟! حال باید مخاطب

وعده‌های رئیس جمهور محترم را با خود مرور کند. مسائلی از قبیل اشتغال و مهار تورم و خروج از رکود و چرخیدن چرخ اقتصاد و مسایل زیست محیطی در شمار فراگیرترین مشکلات مردم هستند که رئیس‌جمهور نیز مطابق با آن وعده‌هایی به مردم داده است. اکنون باید از این روزنامه زنجیره‌ای پرسید که آیا روحانی در زمینه ایجاد اشتغال برای جوانان تحت فشار است؟! آیا رئیس‌جمهور در مسیر خروج از رکود واحدهای اقتصادی در فشار قرار دارد؟ طرح این موضوع به خوبی گویای آن است که این دست روزنامه‌ها می‌خواهند حاشیه‌ها را علیه متن پر رنگ کنند و بشورانند. عقبگرد از نوع زنجیره‌ای!

این روزنامه در سطرهای پایانی تمام آنچه از رئیس‌جمهور محترم می‌خواهد به صراحت بیان می‌کند: هنوز 6 ماه بیشتر از دولت دوازدهم نگذشته، روحانی می‌تواند شرایط را تغییر دهد، او در برهه‌ها و زمانی نشان داده که چنین قابلیت‌هایی را دارد اگر واقعا بخواهد. برای رسیدن به چنین شرایطی شاید بهتر باشد در تیم رسانه‌ای خود هم، تجدیدنظری کند و تقویت آن را در دستورکار قرار دهد. خلاصه اگر بگوییم؛ روحانی باید همان روحانی انتخابات باشد پس «جسارتا»؛ به عقب برگردید. «را» آرزوی روزنامه‌های طیف موسوم به اصلاح‌طلب کشاندن روحانی به مسیری است که خود رئیس‌جمهور بارها به آن اشاره کرده مبنی بر اینکه آن فضا و رقابت‌ها برای ایام انتخابات بود و اکنون زمان انجام وظیفه و خدمت به ملت است. بحث این نوشته فعلا در مورد ارزیابی گفته‌های انتخاباتی نامزدهای ریاست‌جمهوری نیست که ببینیم همان میزان هم آیا صلاح جامعه را در پی داشته یا نه؟ اما قطعا انتخابات در همه جای دنیا حال و هوایی دارد که پس از پایان رای‌گیری خاتمه می‌یابد. اما انگار روزنامه طیف موسوم به اصلاح‌طلب فضای جنجالی و پر التهاب و کش‌مکش را برای چهار سال دولت طلب می‌کند و آرزو دارد رئیس‌دولت در آن مسیر گام بردارد. آیا برای این عده آرامش جامعه مهم‌تر می‌نماید یا انگیزه‌های تند حزبی؟

آرزوی تقابل رئیس‌جمهور با نهادهای دیگر روزنامه شرق نیز در گزارشی با عنوان «آنچه نگفت و باید می‌گفت»؛ به طریقی دیگر در همین مسیری که گفته شد گام برداشته است.

در بخشی از این گزارش گفت‌وگو با عبدالله ناصری آورده شده است. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ضمن ارجاع به سخنان اخیر وزیر دفاع یادآور می‌شود: «موضع اخیر وزیر دفاع را که در آن گفته شد نیروهای مسلح باید از فعالیت اقتصادی کنار بکشند؛ این خبر بسیار خوبی برای جامعه است. حتما باید آقای روحانی از این موارد حرف می‌زد.» به راستی آیا منشا مشکلات اقتصادی را این فعال سیاسی درک نکرده یا میان مشکل و فرصت، تفاوتی قایل نیست؟! درخواست از رئیس‌جمهور برای رویارویی با نیروهای مسلح حلال مشکلات است یا مشکل‌آفرین؟

پیش از این در سطرهای بالا در مورد لغو چند کنسرت و بزرگنمایی از آن برای جابه‌جایی متن با حاشیه سخن گفتیم. این فعال اصلاح‌طلب در ادامه مصاحبه خود با روزنامه شرق گفته است: «امام‌جمعه فلان استان به قانون بی‌توجهی کرده و مانع تحقق خواست مردم می‌شود. اینها مواردی بود که باید روحانی در گفت‌وگو خودمانی با مردم مطرح می‌کرد.»

این همان چیزی است که در گزارش دیروز از آن با عنوان فراگیری یاد کردیم. موضوع کنسرت و لغو چند مورد از آن چقدر فراگیر است؟ چرا این طیف در تلاشی آشکارا به وانمود و سازگی از معضل‌های جامعه مشغول هستند؟ پیگیری مطالبات و خواسته‌های حزبی در لباس و پوشش مردم نامی است که برکاری که این جماعت انجام می‌دهند می‌توان نهاد.